

# واکاوی چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر امنیت

## محیطی کشور با تاکید بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها

سعید بابایی<sup>۱</sup>؛ مسعود سلطانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۵/۱۱/۰۶

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱۲/۲۰

### چکیده

**زمینه و هدف:** امنیت به عنوان مهم ترین موضوع و موتور محرک توسعه یافتگی مطرح می شود. با توجه به سکونت اقوام مختلف ایرانی و اقلیت‌های مذهبی در جداره‌های مرزی کشور و همچنین فضای آنارشیک محیط امنیتی و پیرامونی، توجه به تهدیدات مرزی یک دغدغه جدی محسوب می شود. این پژوهش با هدف شناسایی چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر امنیت محیطی کشور با تاکید بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها انجام گرفته است.

**روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش متشکل از ۲۵۰ نفر دانشجویان و اساتید دانشگاه دفاع ملی و کارشناسان نظامی، سیاسی و امنیتی هستند که از این تعداد ۱۲۰ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، پایایی با روش آلفای کرونباخ ۹۵ درصد مورد تایید قرار گرفت همچنین جمع آوری با استفاده از آزمون‌های آماری و نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده است

**یافته‌ها و نتایج** پژوهش نشان داد از بین مولفه‌های «محیط امنیتی» حضور قدرتهای فرامنطقه ایی در محیطهای مورد مناقشه قومی، سیاستهای اطلاعاتی قدرتهای فراملی در تامین منافع در این مناطق، و همچنین در میزان اثرگذاری امنیت محیطی متأثر از محیط امنیتی ج.ا.ا. بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها به ترتیب اولویت افزایش رفا و توسعه و تحرکات اقتصادی مناطق قومی و مرزی، بازسازی امنیت پایدار و ساختار سیاسی اجتماعی بر اساس یکپارچه ملی و برای تقویت توانمندی‌های مدیریت محیط امنیتی و امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از همه موارد، عملیاتی شدن مکانیسم ایده-منفعت-ساختار در محیط امنیتی در کنار حضور قدرتمند در محیط پیرامونی می‌تواند اثرگذار باشد.

### واژه‌های کلیدی

محیط امنیتی، قومیت، مناطق مرزی، واگرایی، تجزیه طلبی، مداخله

۱. دانشجوی دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی (رشته) مطالعات امنیت ملی، (نویسنده مسئول)؛

ایمیل: S.babaei@sndu.ac.ir

۲. مربی و عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین

## مقدمه

محیط امنیتی هر جامعه ایی تابع و برآیندی از تعامل و تقابل متغیرهای محیط داخلی (ساختار حکومتی، چگونگی توزیع و تمرکز قدرت، فراماسیونهای اجتماعی، فعالیت‌های سیاسی، ایدئولوژی و ارزش‌ها و مشارکت مردمی) و محیط خارجی (ساختار قدرت، نظم و یا بی‌نظمی جهانی، تکنولوژی، مسابقه تسلیحاتی و موقعیت ژئوپولیتیکی و ژئواستراتژیکی) است. چنین محیط امنیتی، همواره حامل «تهدیدات» و «فرصت‌هایی» است که واحدهای ملی به میزان موقعیت و منزلت آنها از آن نصیبی می‌برند (مینایی: ۱۳۸۲). عدم شکل‌گیری نظام امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی در عرصه خاورمیانه با عوامل متعددی در ارتباط است که از آن جمله، موقعیت ژئوپلیتیک خاورمیانه و منابع عظیم نفت و گاز در آن و در نتیجه تقویت حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی - فرقه‌ای و تروریسم، دولت‌های ضعیف و شکننده و عدم اعتماد بازیگران منطقه‌ای به یکدیگر حائز اهمیت است. با توجه به شرایط و ویژگی‌های خاص منطقه خاورمیانه و تأثیرگذاری عوامل مختلف، در سطوح فروملی، ملی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امنیت آن، هرگونه ترتیبات امنیتی موفق، مستلزم در نظر گرفتن تمامی عوامل و مولفه‌های فوق با رویکرد تدریجی و فراگیر است (واعظی، ۱۳۸۶). با این ویژگی‌های محیطی مشخص است محیط پیرامونی ایران دارای ترتیبات امنیتی خاصی می‌باشد که حضور بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و همچنین زمینه‌بازیگری در موضوعات متنوع بر پیچیدگی آن افزود است. بر این اساس تامین منافع امنیت ملی با توجه به حفاظت از توان رقابت و حضور امن در محیط پیرامونی به منظور حذف روحیات تجزیه طلبی در جدار مرزهای کشور راهبرد مهمی است که در صورتی که هرگونه خلل یا نقصان در حضور و نفوذ بهتر همراه با ماندگاری در محیط پیرامونی، می‌تواند مستقیماً تمامیت ارضی و امنیت ملی کشور را در معرض خطر قرار دهد.

اقوام مختلف و اقلیت‌های مذهبی ایران در حساس‌ترین حوزه‌های راهبردی کشور و جداره‌های مرزی اسکان یافته اند که عقبه آنان در ورای مرزها و بیرون از حوزه نفوذ و اثر گذاری حاکمیت ملی قرار دارد. این امر یک تهدید جدی تلقی می‌شود چراکه به لحاظ ارتباط و پیوند این حوزه‌ها با خارج از مرزها، هرگونه چالش و بحران بیرونی نیز به سادگی به داخل مرزها سرایت می‌کند و در نتیجه امکان نظارت حاکمیت ملی به شدت تقلیل می‌یابد و نهایتاً دولت جمهوری اسلامی ایران را به صورت بالقوه با پدیده ایردنتیسم<sup>۱</sup> یا جنبش استقلال طلبانه ای که خواستار الحاق به نیمه جدا شده خویش در آن سوی مرز است، مواجه می‌سازد. امروزه بخشی از اقوام ترک، کرد، بلوچ و عرب در ایران و بخشی از آنها در دیگر کشورها ساکن هستند. هر چند وجود این اقوام در همسایگی ایران می‌تواند موجب نفوذ فرهنگی ایران شود، اما به صورت معکوس موجب دخالت بیگانگان در امور داخلی ایران شده است و معمولاً افکار ناسیونالیستی و تجزیه طلبی از همین مناطق وارد می‌شود. وجود کانون‌های فعال بحران‌های قومی و مذهبی در جداره‌های همسایگان ایران مثل هندوستان، گرجستان، روسیه، لبنان، فلسطین اشغالی و دیگر نقاط خاورمیانه ممکن است کل منطقه را در شعله‌های آتش فتنه غوطه ور ساخته و به سرعت با بحران‌های واگرایی قومی- مذهبی مواجه سازد. مسئله تکثر قومی و مذهبی کشور زمانی که با اهداف و مطامع استعماری بیگانه و دشمنان همراه شود از اهمیت و حساسیت فوق العاده ای برخوردار می‌شود و ناهمگونی فرقه‌ها و اقلیت‌های قومی و مذهبی از مهمترین ابزارهای آنها محسوب می‌شود. شکاف‌ها و تعارض گروه‌های متنوع نقش مهمی در میزان ثبات یا ایجاد بی نظمی و نا امنی کشور دارد. این شکاف‌ها و تعارضات ممکن است متقاطع یا موازی، فعال یا غیرفعال، واحد یا متعدد باشند. تعداد گروه‌ها، موازی بودن آنها و فعال شدن شکاف‌ها موجب اختلاف با سایر مناطق و دولت مرکزی و در نتیجه بی ثباتی و نا امنی می‌گردد که در ایران قابل مشاهده است، زیرا در اغلب مناطق قومی نشین کشور، تضاد

<sup>۱</sup> IRRedentism

قومی و نژادی با تضاد زبانی و تفاوت مذهبی همراه است، بالطبع اگر این تضادها فعال شود و شکاف‌ها عمیق گردد موجب نا امنی خواهد گردید (دیوسالار، ۱۳۸۷). مقوله امنیت به عنوان یکی از دغدغه‌های اصلی مسئولین امنیتی مطرح می‌باشد، لذا تهدیدهای امنیتی - مرزی را می‌توان بر اساس منشا شکل‌گیری تهدید و سطوح اثرگذاری مورد بررسی قرار داد. از این جهت واکاوی چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران و تاثیر آن بر امنیت محیطی کشور با تاکید بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها، اهمیت داشته و با توجه به چالش‌های امنیتی اخیر منطقه چنین پژوهشی ضرورت پیدا می‌کند. لذا این پژوهش با هدف شناسایی تهدیدهای محیط امنیتی مرزهای ج.ا. ایران و نقش آن بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در مناطق مرزی و راهکارهای مقابله انجام گرفته است و به این سوال پاسخ می‌دهد که آیا محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند بر امنیت محیطی و به ویژه افزایش روحیه تجزیه طلبی در جدار مرزها تاثیر گذار باشد. برای پاسخ دادن به این سوال، لازم است به این پرسش‌ها نیز پاسخ داده شود که «محیط امنیتی ج.ا. چه تاثیراتی بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها دارد؟»، «امنیت محیطی متاثر از محیط امنیتی ج.ا. چه تاثیراتی بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها دارد؟» و «چه عواملی باعث تقویت توانمندی‌های مدیریت محیط امنیتی و امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران می‌گردد؟».

**پیشینه پژوهش:** در این بخش از مقاله به برخی از مطالعات انجام شده با موضوع مشابه این پژوهش اشاره می‌شود.

ساوه درودی (۱۳۹۳) در مقاله ایی با عنوان گروهک تروریستی داعش، برابند تنازعات و نامنی‌های منطقه ایی به این نتیجه رسیده است که بحران عراق بیشتر ناشی از تنازعات ملی و منطقه ای و در زمینه بحرانهای دست ساز عمدی قرار دارد و این نوع بحران هدایت شده، سازمان دهی شده و از قبل برنامه ریزی شده است همچنین تنازعات فعلی در عراق را ناشی از تحولات حاکم بر این کشور در طول یک دهه اخیر بوده که بیشتر بین گروههای سلفی،

بعثی، و القاعده رویش ورشد یافته است. تنازعی که بی شک با دخالت مستقیم و یا غیرمستقیم قدرت خارجی در عراق همراه بوده است.

عباس زاده فتح آبادی (۱۳۸۹) در پژوهشی با تمرکز بر القاعده در عراق، ادعا نموده که القاعده، امروز خطرناک تر از هر زمان دیگری است و دسترسی آن به سراسر جهان اسلام گسترش یافته است. این گروهک آمادگی تهدید امنیت جهانی را در آینده نزدیک دارد چراکه در برخی کشورهای بی ثبات، فرصت‌هایی برای عملیات جدید خواهد یافت؛ اسدی (۱۳۸۸) با بررسی عوامل ظهور و افول القاعده در عراق دریافته است که عامل اصلی که زمینه مساعدی را برای ظهور القاعده فراهم کرد، تشدید شکاف‌ها و منازعات بین گروه‌های عراقی بود. گروه‌های سنی عراق که عمدتاً از سقوط رژیم بعث و روند جدید سیاسی در عراق، در نتیجه حمله آمریکا، ناراضی بودند، به تقابل نظامی با نیروهای خارجی و دولت جدید عراق پرداختند؛

**مبانی نظری:** در ادامه، مبانی نظری پژوهش به اختصار بررسی می‌شود.

**امنیت:** امنیت به عنوان یکی از نیازهای فطری بشر، با جوهره هستی انسان، پیوندی ناگسستنی دارد (شادنیا، ۱۳۸۲). احساس امنیت ضروری‌ترین بستر پدیدآیی خلاقیت‌ها، شکوفایی استعدادها، تعالی وجود و توسعه تحول پایدار در عرصه‌های مختلف حیات فردی و اجتماعی می‌باشد (شفیعی، ۱۳۸۹). امنیت، احساس آرامش و اطمینان از عدم تعرض به جان و مال، کار و سایر حقوق انسان است. این ارزش انحصاری یکی از ضرورت‌های زندگی فردی و اجتماعی است (مجتهد زاده، ۱۳۸۱) مفهوم امنیت مفهومی متقابل، مساوی و یکسان برای همه دولت‌ها است. بدین سان هر رویدادی که در یک ناحیه اتفاق می‌افتد در نواحی دور و نزدیک تأثیر می‌گذارد. بی تردید هیچ عنصری برای پیشرفت، توسعه و تکامل یکجانبه و همچنین شکوفایی استعدادها، مهم تر از عنصر امنیت و تامین آرامش در جامعه نیست و توسعه اجتماعی، خلاقیت و فعالیت ارزشمند نیز بدون امنیت امکان پذیر نخواهد بود (روشندل، ۱۳۸۷).

محیط امنیتی نیز عبارت است از محیط پیرامونی که تابعی از تعاملات و تقابلات بازیگران منطقه ایی و فرامنطقه ایی می باشد که برآیند آن می بایست با توجه به عناصر و مولفه های امنیتی موجود در محیط، منجر به تامین منافع امنیت ملی برای بازیگران گردد. محقق شدن این امر هم بستگی به عامل حضور، نفوذ و ماندگاری بازیگران در این محیط دارد.

**قومیت:** کوپر و کوپر قومیت را بنیادی ترین مقوله سازماندهی اجتماعی دانسته اند که بر نوعی عضویت و تعلق استوار است که بر مبنای احساس بر خورداری از ریشه های تاریخی، فرهنگ، مذهب، و زبان مشترک بنا شده است. بارگس عنوان می کند که قومیت یا گروه قومی، جمعی است در درون جامعه بزرگتر که دارای تبار مشترک واقعی یا خیالی، خاطراتی از گذشته مشترک و دارای تاکیدهای فرهنگی بر یک یا چند عنصر نمادی (مثل زبان و مذهب) است که بر اساس آنها هویت گروه تعریف می شود (یاوری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳۸). تعدد و تنوع اقوام تشکیل دهنده جامعه ایران به گونه ای است که اطلاق واژه هایی مانند: «کثیرالقوم» و «جامعه چند قومی» بر ترکیب جمعیتی آن از واقعیتی انکارناپذیر خبر میدهد. حضور قومیت های مختلف همچون فارسها، آذریها، اکراد، بلوچها، ترکمنها، اعراب و لرها در جوار یک دیگر و در چارچوب جغرافیای سیاسی واحد، بیان گر تنوع فرهنگ قومی جامعه ایرانی است. اهمیت سیاسی قومیت ها در آن است که می تواند به یک ابزار مهم برای بسیج سیاسی و منبعی برای منازعات داخلی و بین المللی تبدیل گردد. ایران نیز به عنوان یک جامعه چند قومی، از این قاعده مستثنی نمی باشد، همچنان که بسیاری از درگیری های داخلی ایران در دوران قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی منشاء قومی داشته است (حاجی یوسفی، ۱۳۸۷: ۱۴۱).

**امنیت جامعه ای:** اصطلاح امنیت اجتماعی را باری بوزان برای اولین بار در کتاب مردم، دولت و هراس به کاربرد. وی امنیت جامعه ای را به مواردی همچون قابلیت حفظ الگوهای زبانی، فرهنگ، مذهب، هویت و عرف ملی مربوط دانسته است .... بوزان و ویور موضوع محوری امنیت جامعه ای را هویت و پاسداری از هویت را هدف امنیت جامعه ای دانسته

اند. از حد و مرزها و معیارهایی که افراد را از یکدیگر باز می‌شناساند، با عنوان هو یا یاد می‌شود. اینکه ما کیستیم؟ به چه کسانی تعلق داریم؟ با چه کسانی همراه هستیم؟ و از چه کسانی پرهیز می‌کنیم؟ موضوع امنیت جامعه ای است با این تفسیر می‌توان گفت، امنیت جامعه ای عبارتند از: توانایی حفظ هویت واحدهای جامعه ای (آدمی، ۱۳۹۴: ۱۴) هرگاه گروهی احساس کند باور و رویه‌های فرهنگی اجتماعی اش انکار، مهار یا دستکاری می‌شود، احساس نا امنی می‌کند (kymlica, 2002: 32-30) باری بوزان<sup>۱</sup> با ارتقاء نظریه خود در سال ۱۹۹۳ با همکاری ال ویور<sup>۲</sup> کتاب «هویت، مهاجرت و دستور کار امنیتی نوین در اروپا» را نگاشت. وزن بیشتری برای وجه جامعه لای امنیت قائل شد در نتیجه بوزان نظریه قبلی خود در مورد ابعاد پنجگانه امنیت را ترمیم و بازنگری کرد و جامعه را در کنار دولت به مرجع امنیت ارتقاء داد. به عبارت دیگر در نظریه قبلی بوزان جامعه یکی از وجوه دولت و هویت گروه‌ها، یکی از موضوعات نگرانی و دغدغه دولت بود، اما در سال ۱۹۹۳ و در پی شعله ور شدن جنگ‌های نژادی و قومی در اروپای شرقی در پی فروپاشی شوروی، جامعه به مثابه گروه‌های اجتماعی، هم یکی از ابعاد امنیت دولت می‌ماند و هم به مرجع امنیت ارتقاء می‌یابد. بر این اساس اولاً، امنیت جامعه فی نفسه اهمیت دارد، زیرا مولفه‌های زیادی هستند که فاقد دولت می‌باشند و تهدید علیه هویت آن‌ها به عنوان واقعیت سیاسی اهمیت راهبردی دارد. ثانیاً، در بسیاری از مواقع مرزهای سیاسی با تمایزهای جامعه انطباقی ندارند، چرا که گروه‌های مختلف اجتماعی، مورد ستم دولت خود نیز قرار می‌گیرند و تحکیم امنیت اکثریت گاهاً علت یا علامت تضعیف هویت اقلیت است. ثالثاً، موضوع امنیت جامعه ای اهمیت کیفی دارد. امنیت جامعه ای به تهدیدهایی می‌پردازد که حیاتی اند، یعنی اگر گروهی هویت خود را از دست دهد دیگر مایی در میان نیست که به ترمیم و ارتقای آن اقدام شود. این در حالی است که ضعف اقتصاد، عقب ماندگی نظامی، ناکار

<sup>1</sup> IRRedentism

<sup>2</sup> Elvior

آمدی سیاسی و فاجعه زیست محیطی، به نحوی قابل احیاء هستند (نصری، ۱۳۹۰: ۱۰۸). بافت معمایی این معادله در تفسیر پذیری حرکت یا اقدام نهفته است. تلاش جامعه برای ابراز هویت، اقدامی هوشمند و اندیشیده برای ابراز خود و طرد دیگری تلقی می‌شود. همانگونه که دولت‌ها به محض گمان در مورد تهدید علیه حاکمیت خود دست به سلاح می‌برند، جوامع نیز به هنگام احساس و نه درک و مشاهده مخاطره، علیه هویت و نه حاکمیت خود مبادرت به ابراز آشکار خود می‌کنند و همین اقدام مبتنی بر گمان، معمایی پیچیده را تولید می‌کند.

بوزان و همکارانش ویور و ویلد معتقدند بسان تهدیدات ملی، تهدیدات جامعه ایی هم مکانیسم خود را دارند و تدابیر ملی لزوماً برای حل نابسامانی‌های جامعه ایی، کارگر نیستند. از دید آنها، هر جامعه ایی بسته به بافتار هویتی خویش آسیب پذیری‌های داخلی و تهدیدات خارجی ویژه خود را دارد. اگر هویت جامعه ایی بر جدا بودن یا تنها بودن پایه گرفته باشد، حتی اضافه شدن جمعیت بسیار کوچکی از بیگانگان را هم مشکل امنیتی خواهد انگاشت (مانند فنلاند). اقوامی که تنها به اتکای اندکی بیشتر بودن تعداد افرادشان (مانند سنی‌های لبنان) یا از طرف سرکوب اکثریت (مانند صرب‌ها در کوزوو) کنترل دولت را در دست دارند، در برابر ورود سیلی از جمعیت رقیب یا بالاتر بودن نرخ زاد و ولد آنها آسیب پذیرند، مانند نگرانی اسرائیلی‌ها نسبت به افزایش جمعیت فلسطینی‌ها در غزه و کرانه باختری. اگر هویت ملی به عادات فرهنگی مشخص گره خورده باشد، هر فرهنگ جهانی همگون ساز مانند امپریالیسم برایش تهدید کننده خواهد بود. اگر محور هویت ملی جامعه ای زبان باشد، آنگاه غلبه جهانی زبان انگلیسی به همراه نفوذ پذیری متقابل و فراینده جوامع مشکل زا خواهد بود (همان: ۱۱۰) اگر ملتی از ادغام و یکپارچگی تعدادی از گروه‌های قومی - مذهبی تشکیل شده باشد، به طوری که حیات ملی هر یک از گروه‌ها، تاریخچه ای جداگانه و قابل بسیج داشته باشد، گسترش عمومی ناسیونالیسم و اندیشه خودگردانی و استقلال می‌تواند برایش مرگبار باشد (مانند یوگوسلاوی، عراق، اتحاد



شوروی سابق). اگر ملتی دیگ در هم جوشی از گروه‌های متفاوتی باشد که با چاشنی ایدئولوژی گروه تازه ای را تشکیل داده اند، هویت ملی آن در برابر ابراز دوباره تمایز و عدم مشابهت نژادی و فرهنگی، آسیب پذیر خواهد بود (مانند ایالات متحده). اگر ملتی پیوند محکمی با دولت داشته باشد (مانند دانمارک)، در برابر روند همگرایی سیاسی آسیب پذیرتر از ملتی خواهد بود که سنت عملکرد مستقل از دولت و وجود هم‌زمانی لایه‌های سیاسی چندگانه، برخوردار است (مانند آلمان) (بوزان و همکاران؛ ۱۳۸۶: ۱۹۱). با مرور موارد هشتمگانه فوق، منطق آسیب پذیری امنیت جامعه ای قابل درک به دست می‌آید. در همین موارد ملت‌ها و گروه‌ها در صدد صیانت، بقا و ابراز خود هستند. آنها گمان می‌کنند و بعضاً به صراحت می‌بینند که هستی و هویت شان در مقابل تحولات عادی و تحرکات عمدی گروه‌های دیگر تحدید می‌شود. (نصری، ۱۳۹۰: ۱۱۰)

**قومیت و امنیت ملی:** در مطالعات دوره جنگ سرد، قومیت و ناسیونالیسم قومی بیشتر به عنوان متغیر بی‌ثباتی سیاسی داخلی نگریسته می‌شد. آن چنان که مورگنتا<sup>۱</sup> اشاره می‌کند این عامل به عنوان یکی از نیروهای مورد استفاده قدرت‌های بین‌المللی در برقراری توازن قدرت به حساب می‌آمد. همچنین در برخی از متون این دوره، قومیت در چارچوب مطالعات امنیت منطقه ای و به عنوان متغیری که امنیت منطقه ای در جهان سوم را به خطر می‌اندازد و به همان میزان راه حل منطقه ایی نیز می‌طلبد بررسی شده است. در این متون نیز قومیت مساله اصلی مورد توجه جهان سوم تلقی می‌شد و مجله‌های پژوهشی مانند فصلنامه جهان سوم و نویسندگان آن، کشورهای جهان سوم را به لحاظ همبستگی اجتماعی پایین، تجربه اندک در ملت و دولت سازی و تهدیدات بالفعل و بالقوه ناشی از این مسائل یکسان می‌دانستند. اندیشمندان بلوک شرق نیز در بحث پیرامون منازعات منطقه ای، بر ایده‌ها و رویکردهای کمونیستی و سوسیالیستی تاکید و انتظار داشتند که سرانجام آگاهی‌های قومی جای خود را به آگاهی و تضاد طبقاتی دهند. آنان نتیجه گیری کردند که چنین مولفه

<sup>۱</sup>.Morganthau. .

ای در آینده دیگر بعنوان متغیر موثری مطرح نخواهد شد. پایان جنگ سرد و فروپاشی ابرقدرت شرق نشان داد که نگرش و سیاست‌های کمونیستی در محو آگاهی قومی و تعلقات ملی گرایانه توفیق چندانی نداشته است. کشورهایی که اتحاد جماهیر شوروی را به عنوان الگوی عملی خود انتخاب کرده بودند، به یکباره دستخوش بحران شدند و در میان آن‌ها ناسیونالیسم قومی تبدیل به نیروها و جنبش‌های تجزیه طلبانه ای شد که سهم عمده ای در وقوع ناامنی پس از جنگ سرد ایفا نمودند. فروپاشی نظام دو قطبی جهانی، هم موجب تغییر اساسی محیط امنیتی و هم سبب تحول و تجدیدنظر در نقاط ثقل و محورهای مطالعات امنیتی شد. رابرت ماندل این دگرگونی محیطی را از طریق سه مولفه کاهش حاکمیت ملی، بالا رفتن وابستگی متقابل بین‌المللی و افزایش کشمکش‌های پراکنده و بی قاعده توضیح می‌دهد. به اعتقاد او، تجزیه برخی ملل مهم چند قومی در کنار افزایش منازعات قومی، تضعیف حاکمیت ملی و دگرگونی چارچوب مطالعاتی امنیت ملی را در برداشته است. همچنین آنتونی بریج<sup>۱</sup> پدید آمدن دولت‌های ملی مستقل جدید و نیز ظهور بازیگران فرو ملی کثیر را از زمینه‌های تضعیف الگوی دولت محور در مطالعات امنیت ملی می‌داند. بر این اساس، تضعیف الگوی مذکور موجب تغییر درک ما از تهدید شده و آگاهی ما را از اینکه چه اموری از موارد تهدید اصلی به شمار می‌آید، متحول ساخته است؛ به عبارتی دیگر، تحول محیط امنیتی بر زوال الگوی واقع‌گرایی سنتی در روابط بین‌الملل تاثیر بسیاری گذارده است. کنت کریستی<sup>۲</sup> مولفه‌های جدید محیط امنیتی را بدین صورت توضیح می‌دهد: «مفاهیم جدیدتر مرتبط با حوزه امنیت در دوره پس از جنگ سرد، کمتر بر ایده یک دشمن و نیز این ایده که همه تهدیدات نظامی هستند، تمرکز داشته‌اند. این مفاهیم بیشتر بر تهدیدات نرم افزاری امنیت تاکید کرده‌اند. مهمترین این تهدیدات حوزه‌ها یا مسائلی چون مرزهای متغیر و متحول، نژاد و قومیت، مساله اقلیت‌های ملی و قومی، بنیاد

<sup>1</sup> Anthony Bridge

<sup>2</sup> Christie Kent

گرایی مذهبی و ایدز را در برمی‌گیرد. از آنجا که این موارد تناسب کاملی با ساختار سیاسی ندارند، هنوز سیاستمداران پاسخ‌های مشخص برای آنها پیدا نکرده‌اند. آنها نمایانگر نیروهای زیرزمینی پنهانی و تهدید کننده برای تخریب وضع موجود به شمار می‌روند. یوگوسلاوی، اروپای شرقی، روسیه کشورهای مشترک المنافع و قفقاز فقط حوزه‌هایی چند از قاره اروپا هستند که به‌وسیله چنین نیروهایی دچار آشوب و ناامنی شده‌اند (بنی‌هاشمی، ۱۳۸۲: ۶۶۷).

**اختلافات و همبستگی‌های نژادی و قومی:** بوزان در مبحثی از امنیت منطقه‌ای، همبستگی‌های نژادی و فرهنگی را امری مهم قلمداد می‌کند. اختلاف‌ها و همبستگی‌های فرهنگی و نژادی می‌تواند ایده امنیت ملی را سست و زمینه را برای مداخله کشورها در امور یکدیگر تسهیل کند. پس از پایان جنگ سرد، اختلاف‌های قومی و نژادی در بسیاری از مناطق، به خصوص منطقه بالکان و آسیای میانه سر بر آورد و موجب جنگ‌های خونینی شد. در حوزه بالکان نزاع صرب‌ها، کروات‌ها و مسلمانان که به کشتار وحشیانه گزینۀ سوم منجر شد، همه برآمده از اختلاف‌های قومی و نژادی بود. صربها در توجیه کشتار مسلمانان، بارها به مقوله امنیت ملی استناد کردند و جدایی این قوم و تشکیل یک کشور مسلمان را در همسایگی صربستان و مونته‌نگرو بر نمی‌تافتند. به همین ترتیب در منطقه آسیای میانه نزاع ارمنستان و آذربایجان در منطقه قره باخ، عمدتاً ناشی از اختلاف‌های آنها به واسطه مذاهب جداگانه است. بوزان معتقد است که مقوله‌های چون تداخل جریان‌های قومی، ملی، دینی، مذهبی و بین‌المللی، با سرعت و به سهولت، خاورمیانه را نظاره‌گر نزاع‌های خونین ساخته است. این عوامل بر خاورمیانه دارای اثرات فراوانی هستند (نصری، ۱۳۸۲: ۸۹). اثرات مؤلفه‌های فرهنگی و نژادی در خاورمیانه که حوزه وسیعی از مراکش تا عمان و سوریه تا سومالی را در بر می‌گیرد، آشکار است. در این حوزه، ایده ملت عرب و نیروی فراملتی سیاسی اسلام به همراه یکدیگر منطقه‌ای را شکل داده‌اند و نقش مهمی در ایجاد سازمان‌های محلی (جامعه عرب، شورای همکاری خلیج فارس، شورای همیاری اعراب،

گروه دول مغرب) و حتی ترویج (اغلب با موفقیت اندک) ایده همگرایی و وحدت دولت‌ها داشته‌اند. آنها همچنین نقش عمده‌ای در تعیین حوزه‌های کشمکش در منطقه که سه کشور غیر خودی درون آن (یعنی اسرائیل، ایران و ایتوپیی) که دو مورد از آنها غیر مسلمان و سومی یعنی ایران نماینده ویژه شیعیان در اسلام است، دارند. در تعیین شکل و ساختار مجموعه‌های امنیتی، الگوهای فرهنگی و قومی می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند، ولی در زمینه تصورات امنیتی که عامل اصلی است، در مرتبه بعدی اهمیت قرار می‌گیرند (بوزان، ۱۳۸۱، ۲۲۳). جنبش‌های قومی به دنبال بحران‌های سیاسی و اقتصادی بزرگ یک ملت به وقوع می‌پیوندند که ممکن است به یک یا چهار صورت «نهضت‌های خود مختاری، نهضت‌های جدائی طلب، طغیان‌های محلی، سیاست‌های انتخاباتی قومی» امنیت را تهدید نمایند (امیر احمدی، ۱۳۷۷، ۲۱۰). قومیت و امنیت در دو سطح ملی و فراملی به هم مربوط می‌شوند و این ارتباط، تحلیلگران سیاسی و اجتماعی را با توجه به شکاف‌های قومی بیش از پیش واداشته که به بازخوانی تاریخ و آسیب‌شناسی امنیت داخلی ایران از این منظر که بستر خوبی برای تقویت ثبات در داخل و خارج از کشور است اهتمام ورزند. از آنجائی که قومیت یکی از شاخص‌های عمده در شناخت ظرفیت طبیعی کشورها برای نیل به ثبات و دوری از خشونت به حساب می‌آیند، امنیت دول جهان در دهه آینده بدون توجه به این بعد رقم نخواهد خورد. لذا این موضوع با توجه به تعدد گروه‌های قومی و پیشینه تاریخی آنها خواه ناخواه مطرح خواهد شد (افتخاری، ۱۳۷۸: ۳۸). با عنایت به رویکرد نرم افزاری به امنیت ملی، مسئله یکپارچگی زیرساخت اجتماعی نظام مدیریت امنیتی را تشکیل می‌دهد. ضعف یا ناکامی کشورها در یکپارچه سازی و نه یکسان سازی گروه‌های اجتماعی گوناگون و تبدیل آنها به نیروی سیاسی اجتماعی متحد، تهدیدات جدید امنیتی را به همراه آورده است و زیرساخت‌های کلان سیاسی را چندپاره ساخته و به تضعیف توان سیاست‌سازی و قابلیت پاسخگویی نظام سیاسی می‌انجامد. مسئله چندپارچگی و تشتت بنیادهای اجتماعی و مشکلات موجود فراروی فرآیند ملت‌سازی در

جهان سوم، متغیر یکپارچگی و تکوین جنبش‌های قومی را از اهمیت اساسی برخوردار کرده است (فکوهی، ۱۳۸۰، ۱۷). متغیر انسجام اجتماعی، سیاسی از جمله در گروه‌های قومی از نظر امنیت ملی حائز اهمیت است و اگر درجه هویت‌سازی ملی منسجم و حضور یا فقدان هویت‌های رقیب خرده ملی را از شاخص‌های قوت و ضعف یک کشور محسوب کنیم، کشورها را می‌توان به دو دسته قوی و ضعیف تقسیم کرد. کشورهای قوی از انسجام اجتماعی، سیاسی قابل توجهی برخوردار هستند و از فرآیند ملت‌سازی با موفقیت عبور کرده‌اند. اما کشورهای ضعیف در فرآیند ملت‌سازی با ناکامی مواجهند. در کشورهای مختلف، چندپارگی و تشتت و تبدیل یک دولت - ملت به گروه‌های قومی متعدد، ابعاد جدیدی را به مسئله امنیت ملی در جهان سوم می‌افزاید. شاید ناکام‌ترین موارد قابل لمس در کشورهای در حال توسعه، ایجاد یک حس مشترک عمومی درباره ارزش‌ها و علائق ملی باشد و طبیعتاً ارزش‌های گروه‌های غالب به صورت فعالیت‌های سیاسی آشکار بروز می‌کند، مثل جنبش‌های تجزیه طلب، که این موارد هسته اصلی ناامنی داخلی را تشکیل می‌دهد (ایوبی، ۱۳۷۷: ۲۳).

**چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در حوزه قومیتی:** در دهه گذشته شاهد دگرگونی اساسی در نظام جهانی بودیم. در حالی که امید می‌رفت پس از فروپاشی نظام دوقطبی، جهان به سوی نظامی چندقطبی پیش رود، ایالات متحده آمریکا از دید ژئوپولیتیک و ژئواستراتژیک، سیاست‌های ویژه‌ای را طرح ریزی کرده و به اجرا در آورده است، بطوری که مناطق خلیج فارس و حوزه دریای خزر را بعنوان دو منبع اصلی تامین کننده انرژی جهان می‌داند، در نتیجه هر مسئله امنیتی در این دو منطقه سخت مورد توجه آمریکا خواهد بود. بدین ترتیب ایده یک‌هارتلند جدید می‌تواند واقعیت پیدا کند. در این میان وقایع ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و پیامدها و نتایج حادثه همان چیزی بود که امریکایی‌ها مدت‌ها به دنبال آن می‌گشتند و آن خلق دشمنی جدید به نام تروریسم بود که از جمله متغیرهایی بود که از آن تاریخ به بعد محیط امنیتی جهان را به شدت تحت تأثیر خود قرار

داده است. بطوریکه آمریکا پس از بحران ۱۱ سپتامبر موج جدیدی از توسعه طلبی‌های خود را به اجرا درآورد؛ حمله و اشغال افغانستان و سپس عراق از جمله مصادیق بارز سلطه طلبی آمریکا بشمار می‌آید (مینایی: ۱۳۸۲). بر همین اساس رویکرد امنیت هژمونیک در خاورمیانه را مطرح کرد و با افزایش حضور نظامی خود به براندازی رژیم‌های طالبان و صدام در افغانستان و عراق مبادرت ورزید. در این راستا واشنگتن سعی دارد تا با جدا کردن صف متحدین و دولت‌های مخالف، تحت فشار قرار دادن دولت‌های غیر همکار و کسب حداکثر همکاری از کشورهای متحد، امنیت هژمونیک را به عنوان ساختار امنیتی اصلی در منطقه در اولویت قرار دهد. مبارزه با تروریسم نیز از ابتدا به عنوان یکی از اهداف اصلی آمریکا در گسترش حضور خود در منطقه و تقویت الگوی امنیت هژمونیک عنوان شد. حضور گسترده تر آمریکا در منطقه و اشغال افغانستان و عراق همراه با عکس العمل‌های منطقه‌ای، زمینه را برای گسترش افراط‌گرایی و تروریسم مهیا ساخت و اقدامات و استراتژی معطوف به مبارزه با تروریسم، در چهارچوب امنیت هژمونیک در عرصه عمل به گسترش تروریسم منجر شد. رشد و تقویت گروه‌های تروریستی، در نتیجه خلأ قدرت در عراق، امنیت را به صورت مسئله‌ای جدید و دارای قابلیت تهدید آفرینی متصور می‌سازد (واعظی، ۱۳۸۶). تولد گروه تروریستی داعش توسط سازمان‌های اطلاعاتی غرب در عراق و اجرای راهبرد هرج و مرج طلبی هدفمند در عراق و سوریه در ادامه سیاست‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا است که در پیوند آن با مسائل قومیتی در منطقه با توجه به بافت موزاییکی قومی و فرهنگی - مذهبی در غرب آسیا همراه با ضعف دولت‌های مرکزی بدون ساختارهای لازم توانسته است امنیت و ثبات منطقه‌ای را با تهدیداتی روبه رو کند. عربستان به عنوان کشوری که همواره در محیط امنیتی غرب آسیا چالش‌های ژئوپلیتیکی گسترده‌ای را با ایران داشته است، در محیط‌های امنیتی همچون سوریه، عراق، بحرین، یمن، لبنان، به دنبال عمیق نمودن دو شکاف اصلی مذهب و قومیت در برابر ایران می‌باشد، که در همین راستا به دنبال تشکیل جبهه‌ای از کشورهای سنی مذهب در مقابل

ایران است. با این خصوصیات است که ایران در محیط پیرامونی خود با چالش‌های امنیتی متعددی روبه‌رو است که به صورت دائمی و به واسطه تحولات و روندهای منطقه‌ای باز تولید می‌شود.

در این میان کشور جمهوری اسلامی ایران به واسطه موقعیت استراتژیکی و واقع شدن در یکی از حساس‌ترین مناطق جهان دارای وجه بالقوه‌ای از فرصت‌ها و مزیت‌ها است که همراه با آن تهدیدات و محدودیت‌ها نیز اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. بعنوان نمونه جمهوری اسلامی ایران در محاصره و مجاورت مناطق بحران‌خیز و مستعد تشنج جهان نظیر قفقاز، آسیای مرکزی، خلیج فارس و خاورمیانه قرار گرفته است که هر یک تاثیر خاص خود را در محیط امنیتی بین‌المللی ما خواهد داشت، به طوریکه هر یک از مناطق یاد شده عرصه تقابل قدرت‌های جهانی بوده و وضعیتی خاص و اجباری را برای محیط امنیتی ما ایجاد نموده است. (مینایی: ۱۳۸۸) به گونه‌ای که این کشور هنوز نتوانسته است در هیچ کدام از این حوزه‌ها شاهد شکل‌گیری چهارچوب امنیتی پایدار و ثباتی مورد توافق باشند. در گذشته چالش‌های امنیتی ایران که از محیط پیرامونی آن ناشی می‌شد، به اشکال متفاوتی وجود داشت و از ناامنی‌های مرزی و بی‌ثباتی‌های موقت تا حملات و جنگ‌های طولانی مدت نظامی را در بر می‌گرفت. اکنون نیز این مسئله در قالب‌ها و مؤلفه‌های مختلفی تجلی یافته است. در حال حاضر، تروریسم و افراط‌گرایی، دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار و همچنین مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای، سه چالش امنیتی اصلی در محیط پیرامونی ایران محسوب می‌شود که با یکدیگر ارتباطی چندبعدی و تنگاتنگ دارند. در این میان، به نظر می‌رسد دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار، چالشی اساسی تر باشد که باعث تحریک دو مؤلفه دیگر یعنی اشاعه تروریسم، و افراط‌گرایی و نیز گسترش نفوذ و مداخلات قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد. دولت‌های ضعیف و شکننده در عراق، افغانستان و پاکستان باعث گسترش تروریسم و افراط‌گرایی می‌شود و علاوه بر این، زمینه تداوم حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای را نیز فراهم می‌سازد. در کشورهای عربی حاشیه جنوبی خلیج

فارس نیز بحران اقتدار و ضعف دولت‌ها زمینه‌ای را برای همکاری نامتقارن با قدرت‌های فرامنطقه‌ای و افزایش مداخلات قدرت‌های خارجی فراهم ساخته است. این مسائل با توجه به ساخت قومی و اجتماعی منطقه و تجارب خاص دولت - ملت‌سازی، باعث پیچیدگی شرایط امنیتی می‌شود. اختلافات قومی، وجود دولت‌های اقتدارگرا، بحران مشروعیت، عدم وجود دموکراسی و نهادهای مدنی به همراه اقتصاد ضعیف در برخی کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز از جمله عوامل دیگری است که موجب بروز بی‌ثباتی و ناامنی در محیط امنیتی ایران خواهد شد. تروریسم و افراط‌گرایی مذهبی و قومی در منطقه در طول سال‌های اخیر افزایش یافته و این امر نظم و ثبات سیاسی - اجتماعی و پیشرفت اقتصادی کشورها را به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. وهابیت و سلفی‌گری به عنوان یک ایدئولوژی مذهبی افراطی منبع عمده گسترش تروریسم و تنش‌های مذهبی می‌باشد و این ایدئولوژی به واسطه آشفتگی کلی منطقه‌ای و برخی ملاحظات سیاسی بازیگران ذی‌نفع، فضای گسترده‌تری برای انتشار و تأثیرگذاری پیدا کرده است. تروریسم افراط‌گرایی در عراق، هرچند به واسطه عوامل مختلف داخلی و منطقه‌ای تقویت شده، اما اکنون خود به منبع عمده بی‌ثباتی و ناامنی تبدیل شده است. (واعظی: ۱۳۸۶) در شرایط کنونی تروریسم به صورت ماهوی و ساختاری در محیط امنیتی بین‌الملل تغییر و تحول پیدا نموده و این قابلیت را دارد که در روندهایی سریع و غیر قابل پیش‌بینی با کمک و استعانت از مولفه‌هایی همچون قومیت، مذهب، اقدام به یارگیری نموده و در محیط تسری پیدا کند، به طوری که هم‌اکنون گروه تروریستی داعش در لیبی، افغانستان، عراق، یمن، ترکیه، سوریه، آمریکا اروپا، جنوب شرق آسیا در حال فعالیت است. براین اساس پیوند نوع جدیدی از تروریسم بین‌المللی با پیچیدگی‌ها محیط امنیتی غرب و جنوب غرب آسیا که همواره شاهد تزاخم و تضاد منافع امنیت ملی بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد، معادله قومیت‌ها را در شرایط چند وجهی موجود بسیار پیچیده و حساس نموده است، به گونه‌ای که هرگونه خطا و یا غافلگیری در شناسایی روندها می‌تواند هزینه‌های زیادی به بازیگران تحمیل نماید



در افغانستان و پاکستان نیز افراط گرایی و تروریسم همچنان به واسطه عوامل سیاسی - اجتماعی و عوامل بیرونی همچون صدور تفکرات وهابیت توسط عربستان و سیاستهای اطلاعاتی و امنیتی بازیگران فرامنطقه ایی ادامه حیات می دهد و ثبات و امنیت منطقه ای را به شدت متأثر ساخته است. به دلیل ضعف اقتدار در حکومت‌های مرکزی این کشورها و عدم کنترل و اشرافیت لازم بر مرزهای خود با جمهوری اسلامی ایران همواره کشور ما در جدار مرزهای شرق و جنوب شرقی با مشکلات قومیتی - مذهبی با گرایش به آن سوی مرزها همراه بوده است. بر این اساس سیاست‌های اطلاعاتی به علاوه سیاست‌های امنیتی کشورهای فرامنطقه ای و منطقه ای به عنوان عوامل پیشران اصلی و همچنین عدم مدیریت صحیح داخلی در مدیریت تحولات قومی توانسته است در این حوزه مشکلاتی را ایجاد نماید. در مناطق مرزی ایران که اقوام مختلفی سکونت دارند این اقوام می‌توانند هم منبع چالش باشند و هم فرصت‌هایی را جهت رشد و توسعه کشور فراهم آورده و منبع قدرت محسوب شوند. در بعضی از کشورها که دارای شکاف‌های ناحیه ای شدیدی هستند، استقرار اقوام گوناگون در بخش‌های حاشیه ای کشور، درجه واگرایی و ضریب آسیب پذیری بالا می‌رود. در ایران از نظر فضایی با دور شدن از بخش مرکزی کشور به سوی نواحی مرزی، توسعه نیافتگی به وضوح مشاهده می‌شود که می‌تواند عنصر واگرایی را در مناطق مرزی تقویت نماید، بویژه در مناطقی که جزء مناطق بحرانی بالقوه درجه یک محسوب می‌شوند این پتانسیل را دارا هستند که به عنوان یک تهدید عمل نماید. همچنین وجود دولت‌های ناکام همسایه با ساختار سیاسی ضعیف که توان برقراری امنیت را در چارچوب مرزهای سیاسی ندارند، و همچنین در جدار مرزهای خود به دلیل عدم اقتدار دولت‌های مرکزی برای برقراری امنیت و رفاه اجتماعی، زمینه و بسترهای لازم را جهت حرکت‌های تجزیه طلبانه و واگرا، فراهم می‌کند که بنابراین می‌تواند مستقیماً بر جدار مرزها و اقوام داخلی جمهوری اسلامی ایران تاثیر گذار باشند.

**چالش‌های امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران در حوزه قومیتی:** قبل از طراحی امنیت برای یک ظرف فضایی ابتدا باید شناخت کاملی از ویژگی‌های تهدیدات آن ظرف فضایی پیدا کرد. اگر چه هر یک از مناطق مرزی ویژگی‌ها، تهدیدها، فرصت‌ها و چالش‌های خاص خود را دارد، اما برخی از ویژگی‌ها در اغلب مناطق مرزی مشترک است. در بررسی عوامل موثر بر روحيات تجزیه طلبی در جدار مرزها باید به تفاوت‌های موجود در مناطق مرزی توجه جدی داشت و نمی‌توان یک نسخه اجرایی واحد را برای همه مناطق مرزی با این همه تفاوت‌های موجود در جغرافیای طبیعی و انسانی شان پیچید. علاوه بر تفاوت جغرافیای طبیعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی هریک از مناطق مرزی، بازیگران تأثیرگذار بر هریک از مناطق نیز متفاوت از هم می‌باشند. همسایگان ما و ویژگی‌های هریک تأثیر خاص خود را بر امنیت مناطق مرزی دارند. نمی‌توان تأثیرات همسایگی با ترکیه و تأثیر آن بر امنیت مناطق مرزی را با تأثیرات همجواری با افغانستان و تهدیدات امنیتی ناشی از آن یکی دانست و باید برای هر دو نسخه‌ای واحد پیچید. در مجموع مهمترین چالش‌های موجود در امنیت محیطی ایران که به نوعی می‌توانند بر قومیت‌های مناطق مرزی تأثیرگذار و حتی در انسجام و واگرایی آنان موثر باشد به شرح زیر است:

**پلی ژنیک بودن ترکیب جمعیتی در ایران:** ایران کشوری با بافتار چند فرهنگی است که تنوع قومی و زبانی یکی از ویژگی‌های شاخص آن است. تنوع قومی در ساختار جمعیتی ایران به گونه ای است که میتوان آن را در زمره کشورهای پلی ژنیک قرار داد، با این تفاوت که بر خلاف دیگر کشورهای پلی ژنیک که در آنها همبودی قومی محصول مهاجرت اقوام مختلف به آنها است، در ایران اقوام مختلف همگی بومی این سرزمین اند و از یک بستر فرهنگی تاریخی منسجم و استوار بر مولفه‌های انسانی اجتماعی برخوردارند. (اکبری وهمکاران، ۱۳۹۳: ۹۶) به عبارتی مای ایرانی همراه با مای اسلامی توانسته است این اقوام را در غالب هویت ملی اسلامی ایرانی یکپارچه قرار دهد،

دلیل پایداری جامعه ایران در طول تاریخ، وجود ویژگی‌هایی همچون همزیستی مسالمت آمیز و سازگاری قومی مذهبی نژادی و زبانی در بستر تاریخی جامعه ایران بوده است. اما باید توجه داشت که هرچند این قومیت‌ها در طول تاریخ در نضج و شکوفایی تمدن ایرانی سهیم بوده‌اند در مقاطعی از تاریخ کشور نیز این همزیستی‌ها به چالش کشیده شده و مناسبت دولت و اقوام تبدیل به منازعه و کشمکش گردیده است. به بیان دیگر اقوام تبدیل به مساله سیاسی گردیده و مشکلات امنیتی برای جامعه ملی ایجاد نموده است. موضوعی که با نگاه به تاریخ یکصد ساله معاصر شواهد متعددی می‌توان برای آن یافت. بنابراین پلی ژنیک بودن جامعه ای همچون ایران گرچه همواره یک تهدید محسوب نمی‌گردد، اما اگر برداشتی مناسب از سوی مدیریت سیاسی جامعه درباره آن صورت نپذیرد تبدیل به چالش مهمی می‌گردد. این مدیریل سیاسی یک جامعه است که با استفاده مناسب از تنوع قومی و تکثر فرهنگی می‌تواند فرصت‌های فراوانی را فراروی خود قرار دهد. (همان: ۹۶)

#### عدم انطباق مرزهای سیاسی با مرزهای قومی:

یکی از موضوعات مهم و مسئله ساز در منطقه خاورمیانه عدم انطباق مرزهای سیاسی با مرزهای قومی و فرهنگی است. مرزهای سیاسی کشور ایران به گونه ایی است که اقوامها ترک، کرد، عرب، بلوچ و ترکمن در دو سوی آن واقع شده‌اند. امتداد گسترش مرزهای قومی فراتر از مرزهای سیاسی همواره زمینه را برای تاثیر و تاثر متقابل این اقوام از تحولات فرامرزی فراهم ساخته و در مواردی قدرتهای بزرگ و فرامنطقه ایی بدین وسیله امنیت کشورها را نیز به مخاطره انداخته‌اند این امر لزوم توجه ویژه به اقوام را در مساله یکپارچگی ملی مشخص می‌سازد (همان: ۹۷) بر این اساس ضروریست از طریق تلاش در راستای توسعه همه جانبه و همچنین تامین امنیت در کلیه ابعاد کالبدی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و مدیریتی مناطقی که دارای ترکیبی چند قومیتی هستند، قومیت‌ها را به سمت همگرایی سوق داده شود. یکی از مهمترین مباحثی که امروزه بویژه در میان کشورهای چند قومیتی مطرح می‌باشد، تقویت تمایلات قومی و بعبارتی خاصگرایی افراد و به تبع آن

احتمال تمایلات واگرایی آنها است. زیرا در صورتی که قومیت‌های یک جامعه به سمت خاصگرایی و تمایلات واگرایی از بایسته‌های و ارزش‌های ملی پیش بروند، توان دفاعی و هویت ملی آن جامعه در مواجهه با مسائل داخلی و خارجی رو به زوال خواهد رفته و زمینه برای اقدامات ضد امنیتی توسط سایر کشورها مهیا خواهد گشت.

**دخالت کشورهای همسایه و همجوار:** کشورهای منطقه خود به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ یک دسته کشورهایی که امتداد گروه‌های قومی در سرزمین‌های ملی آنان گسترش یافته است و گروه‌های قومی به صورت اقلیت یا اکثریت در آن کشورها وجود دارند. حکومت مرکزی در برخی از این کشورها با تحریک گروه‌های قومی در ایران، از منابع چالش منطقه ای محسوب می‌گردند همچون کشور آذربایجان در امور منطقه ای مناطق آذری نشین و عراق در زمان حکومت صدام حسین که در مناطق عرب نشین ایران دخالت می‌ورزید. دسته دیگر شامل کشورهای منطقه ای است که لزوماً مرز مشترک با ایران ندارند، اما بر مبنای خواسته و تمایلات مداخله جویانه شان، در امور داخلی ایران در مناطق قومی دخالت می‌کنند همچون دخالت کشورهای عربی منطقه در خوزستان و دخالت و حمایت مالی از گروه‌های معارض بلوچ در شرق کشور (افضلی: ۱۳۸۸)

**سیاست‌های اطلاعاتی کشورهای فرا منطقه ای:** استفاده ابزاری از گروه‌های قومی به وسیله قدرت‌های مداخله گر با هدف ضربه پذیر کردن کشورهای دارای گروه‌های قومی شکل می‌گیرد. قدرت فرامنطقه ای با استفاده از شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در مناطق قومی در برابر دیگر مناطق در سطح ملی و یا مناطق قومی در برابر سطح جهانی برای حکومت مرکزی چالش به وجود می‌آورد. تفاوت این نوع منابع چالش با نوع محرومیت نسبی در این است که عنصر مداخله گر، خارج از سطح ملی و منطقه ای است و با اهداف ویژه چالش آفرینی را دنبال می‌کند. میزان دخالت نیز بر حسب وزن ژئوپلیتیکی و قدرت ملی کشور، متفاوت است. به عبارت دیگر، کشور مداخله پذیر در شرایط دفاع از موضع ضعف، مجبور به عکس العمل می‌شود و این برخورد تا جایی ادامه می‌یابد که

کشور ضعیف خواسته‌های مداخله‌گر جهانی را در امور گروه‌های قومی می‌پذیرد. در زمان حاضر، کشورهای فرامنطقه‌ای، سازمان‌های جهانی و سازمان‌های مردم‌نهاد، مداخله‌گر قومی در ایران قلمداد می‌شوند، که با استفاده از عوامل متعدد سعی در ایجاد چالش برای کشورمان دارند. مسئله حقوق بشر با استفاده از شاخص‌های محرومیت در مناطق قومی، موضوع دیگری است که در چند دهه اخیر زمینه‌ساز مداخله قدرت‌های فرامنطقه‌ای در کشور بوده است. از سوی دیگر، مناسبات قدرت در سطح جهانی، گروه‌های قومی را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. بسیاری از چالش‌های قومی پس از جنگ جهانی دوم بر اثر حمایت چپ‌ها در جهان بود. در همین قالب بود که محمدجعفر پیشه‌وری و قاضی محمد، رهبری جنبش قومی در سطح محلی را به دست گرفتند. طرح مباحث قومی پس از جنگ سرد نیز ناشی از تحول در مناسبات قدرت در سطح جهانی بود. هم‌اکنون نیز جهان غرب با طرح مباحث حقوق بشر، زمینه مداخله در امور داخلی ایران را در مناطق قومی دنبال می‌کند (افضلی: ۱۳۸۸).

**جهانی شدن و گسترش ارتباطات:** رشد فرآیند خودآگاهی قومی و تلاش فرهنگی بعنوان راهبردهای مهم قوم‌گراها به عنوان ابزار بسیج توده‌ها و پیوستن بخشی از فارغ‌التحصیلان و نخبگان علمی هر قومی، در پی گسترش مراکز آموزش عالی و قدرافراشتن ماه‌های کوچک در برابر ماه‌های بزرگ (ملی) و تقاضاهای قابل مذاکره و غیر قابل مذاکره در همه ابعاد با سرعتی فزاینده از زبان روشنفکران، تحصیل‌کرده‌های لائیک و حتی مسلمان. لذا آنچه مایه دغدغه خاطر است، رشد یکسویه خودآگاهی‌های قومی است که موجب تضعیف هویت ملی و وحدت ملی می‌گردد. مناسب‌ترین الگوی سیاست قومی، سیاستی است که معطوف به تقویت همبستگی و انسجام ملی شود و موجب تحقق نوعی هویت و وحدت ملی گردد (مهری کارنامی: ۱۳۸۸).

**تقویت توانمندی‌های مدیریت محیط امنیتی و امنیت محیطی ایران:** در ادامه به عواملی اشاره می‌شود که می‌تواند برای تقویت توانمندی‌های ایران در مدیریت چالش‌های امنیتی مورد توجه قرار گیرد.

**توزیع منابع براساس آمایش سرزمینی:** توزیع سرمایه‌ها، امکانات و ظرفیت‌های ملی در کلیه عرصه‌ها اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، در کل فضای سرزمینی کشور از طریق اعمال سیاست‌های تمرکززدایی، آمایش سرزمینی و پراکندگی زیرساخت‌های کلیدی و مراکز حیاتی به طور عادلانه در همه مناطق کشور از جمله مواردی است که توجه به آن می‌تواند به حفظ تمامیت ارضی، امنیت ملی و استقلال کشور و ایجاد امنیت پایدار اشاره نمود؛

**ایجاد بسترهای مشارکتی در عرصه‌های متعدد:** ایجاد بسترهای مشارکتی برای اقوام مختلف ایرانی در عرصه‌های متعدد، از جمله فرصت‌های مناسبی است که با ایجاد ذهنیت مثبت در مناطق قومی، می‌تواند در برانگیختن حس تعهد، ایجاد انگیزه و افزایش امید آنان به آینده مؤثر افتد. سوابق چند سال اخیر گویای آن است که مردم ایران در مناطق قوم نشین، از آمادگی قابل ملاحظه‌ای برای مشارکت در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و... برخوردارند (درویشی و امامی: ۱۳۸۹) بر این اساس هرگونه سرمایه‌گذاری در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصادی نه تنها می‌تواند همواره امنیت را بازتولید نماید و نقطه مطلوبی در ایجاد امنیت پایدار در جدار مرزها شود، بلکه رفاه اجتماعی را نیز به ارمغان می‌آورد که برآیند این روند چیزی جز کاهش قاچاق، کاهش فقر و افزایش رفاه در مناطق قومی می‌باشد.

**تقویت عامل هویت ملی به خصوص وحدت شیعه و سنی:** طرح مسئله روابط و مناسبات هویت قومی و هویت ملی در کشور ما اهمیت و ضرورت خاصی پیدا میکند، به ویژه آنکه ایران به عنوان یک کشور چند قومی ناگزیر است با تکیه و کمک گرفتن از هویت قومی و محلی پایه‌های هویت ملی خود را مستحکم نگه دارد (کافی و حاجیانی

۱۳۹۲:۱۱۹) عبارتی تقویت عام‌گرایی در اقوام در مقابل هویت خاص‌گرایی آنها می‌تواند بسیار حائز اهمیت باشد.

از آنجا که ذات و خمیرمایه وحدت ملی وابسته به همگرایی و هم‌نوایی هویت‌های متعدد است. در مسئله تعلق و دلبستگی افراد عضو فرهنگ‌های محلی و قومی به فرهنگ قومی‌شان و نیز به فرهنگ و سرزمین ملی‌شان (ایران) می‌تواند نقطه مهم و قابل‌اعتنایی را برای پیرامون انسجام ملی و تقویت امنیت ملی فراهم نماید. (همان: ۱۱۹)

**حضور قدرتمند در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران:** برای حذف روحیات تجزیه طلبی در جدار مرزهای کشور ضروریست فراتر از مرزها خود در جهت حفاظت از توان رقابتی با هدف، قرار گرفتن در محیط امنیتی با ویژگی حضور امن حرکت نماییم، تا به صورت هوشمندانه بتوانیم بر روندهای در حال شکل‌گیری و یا شکل گرفته شده در محیط پیرامونی که همواره با دو عنصر مذهب، و قومیت توأمان است اثرگذار باشیم. از سوی دیگر حرکت در فراتر از مرزها در چارچوب راهبرد حضور کامل، همواره با فشار بر رقبای منطقه ای و فرا منطقه ای همراه خواهد بود نکته حائز اهمیت در این زمینه در اختیار داشتن منابعی برای دوام، حضور و توان رقابتی در فراء مرزها می‌باشد، لذا پاسخ به نوع و جنس و سطح این منابع در محیط امنیتی بسیار حیاتی و مهم می‌باشد. در محیط امنیتی پاسخ دادن و مطلع بودن در خصوص نحوه شکل‌گیری روندهای غافلگیری و همچنین سناریوهای بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ایی که بعنوان یکی از مهمترین عوامل کاهنده توان رقابتی در محیط پیرامونی می‌باشد نقش حیاتی در تأمین منافع امنیت ملی ایفا می‌نماید. همچنین توانایی مدیریت تزاخم و شناسایی عوامل شکل‌گیری تعارض در روندها در محیط امنیتی بسیار با اهمیت است در محیط پیرامونی تعیین و مشخص سازی رخدادهای پدیده‌های در حال ظهور نقش حیاتی در افزایش توان رقابتی ایفا می‌نماید. بر این اساس قرار گرفتن در محیط امنیتی بعنوان بازیگر مسلط در جهت شناسایی روندها و سناریوهای موجود در عرصه میدانی نه تنها می‌تواند از غافلگیری در حوزه‌های مختلف از جمله تأثیر پذیری قومیت‌های

جدار مرزها از جریانات بیرونی جلوگیری بعمل آورده بلکه این قابلیت نیز بوجود می آید که بر دیگر بازیگران محیط امنیتی تاثیر گذار باشد که نمونه عینی آن را میتوان حضور قدرتمند و هوشمندانه ایران در منطقه غرب آسیا در جهت مقابله با افراط گرایی، تروریسم، و فرقه گرایی اشاره نمود.

**عملیاتی شدن مکانیسم ایده- منفعت- ساختار در محیط امنیتی:** در محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران مطلوب است منافع امنیت ملی بازیگران منطقه ایی در چارچوب مکانیسم ایده- منفعت- ساختار تجلی پیدا نماید در چنین شرایطی است که تضادهای ایدئولوژیکی در محیط امنیتی کاهش پیدا نموده و باعث باز تولید مقومهای امنیت ساز در محیط امنیتی میگردد به عبارت دیگر بواسطه عناصر ایدئولوژیک و هویتی مشترک بین بازیگران منطقه ای، این موضوع میتواند منافع مشترکی در حوزه های مختلف برای ذینفعان ترسیم نماید که این فرایند در غالب نهادها و سازمانهای حقوقی بین المللی ساختارمند و نظام مند میگردد، لکن عدم شکل گیری و یا هرگونه خلل و یانقصان وضعف در پیاده سازی این مکانیسم بر خلاف منافع امنیت ملی بازیگران منطقه ایی بوده و نهایتاً بی ثباتی را در محیط امنیتی تسری میدهد.

## روش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا توصیفی پیمایشی است. جامعه آماری پژوهش متشکل از ۲۵۰ نفر دانشجویان و اساتید دانشگاه دفاع ملی و کارشناسان نظامی، سیاسی و امنیتی هستند که از این تعداد ۱۲۰ نفر به به عنوان نمونه انتخاب شدند. داده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته، و پایایی با روش آلفای کرونباخ ۹۵ درصد مورد تایید قرار گرفت همچنین جمع آوری با استفاده از آزمونهای آماری و نرم افزار SPSS تجزیه و تحلیل شدند.



## یافته ها

یافته‌های توصیفی: در جدول ۱ ویژگی‌های جمعیت شناخته جامعه این پژوهش ارائه شده است.

جدول ۱: ویژگی‌های جمعیت شناخته جامعه پژوهش

درصد	تعداد	نام متغیر		درصد	تعداد	نام متغیر	
۵۵	۶۴	لیسانس	مدرک تحصیلی	۵۰	۶۰	نظامی، انتظامی و امنیتی	جایگاه
۳۴	۴۳	فوق لیسانس		۵۰	۶۰	دانشگاهی	
۱۱	۱۳	دکتری		۱۰۰	۱۲۰	جمع	
۱۰۰	۱۲۰	جمع		۱۵	۱۸	۱۱ تا ۲۰ سال	سابقه خدمت
۹	۱۲	کمتر از ۴۰ سال	سن	۶۲/۲	۷۴	۲۱ تا ۳۰ سال	
۶۱	۷۴	۴۱ تا ۵۰ سال		۲۲/۸	۲۸	۳۱ به بالاتر	
۳۰	۳۷	۵۰ سال به بالاتر		۱۰۰	۱۲۰	جمع	
۱۰۰	۱۲۰	جمع		۱۲/۶	۱۵	نظامی	نوع طیف نخبگان و صاحب نظران
				۴۳/۴	۵۲	سیاسی	
				۴۴	۵۳	امنیتی	
				۱۰۰	۱۲۰	جمع	

یافته‌های استنباطی: در این قسمت با استفاده از آزمون‌های آماری، به پرسش‌های پژوهش پاسخ داده می‌شود.

جدول ۲: میزان اثرگذاری محیط امنیتی ج.ا.ا بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها

میانگین از ۵	رک	بسیار زیاد	زیاد	تا حدودی	کمی	بسیار کم	فراوانی	گویه‌ها	ردیف
۴/۴۰	۱۲۰	۶۲	۴۵	۱۲	۱	۰	تعداد	حضور قدرت‌های فرا منطقه ایی در محیط‌های مورد مناقشه قومی	۱
	۱۰۰	۵۱/۷	۳۷/۵	۱۰	۰/۸	۰	درصد		
۴/۳۹	۱۲۰	۶۱	۴۸	۸	۳	۰	تعداد	سیاست‌های اطلاعاتی قدرتهای فرا ملی در تامین منافع در این مناطق	۲
	۱۰۰	۵۰/۹	۴۰	۶/۶	۲/۵	۰	درصد		

۴/۳۵	۱۲۰	۵۹	۴۷	۱۲	۲	۰	تعداد	سیاست های تحریک آمیز بر ایجاد شکاف قومیت ومذهب	۳
	۱۰۰	۴۹/۲	۳۹/۲	۱۰	۱/۶	۰	درصد		
۴/۳۵	۱۲۰	۵۸	۴۸	۱۲	۲	۰	تعداد	دخالت کشورهای همسایه	۴
	۱۰۰	۴۸/۴	۴۰	۱۰	۱/۶	۰	درصد		
۴/۳۲	۱۲۰	۵۷	۴۸	۱۳	۲	۰	تعداد	وجود دولتهای ضعیف و بحران اقتدار در این مناطق	۵
	۱۰۰	۴۷/۳	۴۰/۱	۱۱	۱/۶	۰	درصد		
۴/۲۱	۱۲۰	۵۱	۴۸	۱۷	۳	۱	تعداد	عدم توجه کشورهای منطقه به عناصر وحدت بخش و یکپارچه سازی ملی منطقه ایی	۶
	۱۰۰	۴۲/۵	۴۰	۱۴/۱	۲/۵	۰/۹	درصد		
۴/۱۴	۱۲۰	۴۵	۵۰	۲۲	۳	۰	تعداد	وجود تفکرات تاریخی و تجزیه گرایانه در قومیت در منطقه مورد مناقشه	۷
	۱۰۰	۳۷/۵	۴۱/۶	۱۸/۴	۲/۵	۰	درصد		
۴/۱۱	۱۲۰	۵۱	۴۵	۱۴	۵	۵	تعداد	تضادهای قومی و تاریخی در مناطق مورد مناقشه	۸
	۱۰۰	۴۲/۵	۳۷/۵	۱۱/۶	۴/۲	۴/۲	درصد		
۴/۰۲	۱۲۰	۴۳	۴۵	۲۶	۴	۲	تعداد	نبودن ترتیبات امنیتی مشترک و منسجم در حوزه های قومی و محیطی	۹
	۱۰۰	۳۵/۸	۳۷/۶	۲۱/۷	۳/۳	۱/۶	درصد		

جدول ۳: میزان اثرگذاری امنیت محیطی متاثر از محیط امنیتی ج.ا.ا بر روحیه تجزیه طلبی قومیت ها در جدار مرزها

ردیف	گویه ها	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد	میانگین از ۵
۱	افزایش رفاه و توسعه و تحرک اقتصادی مناطق قومی و مرزی	۱۲۰	۶۳	۴۵	۱۱	۱	۰	تعداد
		۱۰۰	۵۲/۵	۳۷/۵	۹/۲	۰/۸	۰	درصد
۲	بازسازی امنیت پایدار و ساختار سیاسی- اجتماعی بر اساس یکپارچه ملی	۱۲۰	۶۱	۴۸	۸	۳	۰	تعداد
		۱۰۰	۵۰/۹	۴۰	۶/۷	۲/۴	۰	درصد
۳	تقویت عامل یکپارچه ساز و هویت مدار دین در دو مذهب شیعه و سنی	۱۲۰	۵۹	۴۷	۱۲	۲	۰	تعداد
		۱۰۰	۴۹/۲	۳۹/۲	۱۰	۱/۶	۰	درصد
۴	توزیع منابع بر اساس آمایش سرزمین و عبور از محرومیت های کلیدی	۱۲۰	۶۱	۴۳	۱۳	۲	۱	تعداد
		۱۰۰	۵۰/۹	۳۵/۹	۱۰/۸	۱/۶	۰/۸	درصد
۵	مدیریت رفتار اقتصادی کاذب تا رفع فقر و	۱۲۰	۵۰	۵۰	۱۹	۱	۰	تعداد

	۱۰۰	۴۱/۷	۴۱/۷	۱۵/۸	۰/۸	۰	درصد	محرومیت در مناطق قومی
۴/۲۴	۱۲۰	۵۰	۵۰	۱۹	۱	۰	تعداد	۶ پلی ژنیک سازی ترکیب جمعیتی ایران
	۱۰۰	۴۱/۷	۴۱/۷	۱۵/۸	۰/۸	۰	درصد	
۴/۲۱	۱۲۰	۵۱	۴۸	۱۷	۳	۱	تعداد	۷ منفی نمودن مهاجرت و تردهای غیر قانونی قومی در جدار مرزها
	۱۰۰	۴۲/۵	۴۰	۱۴/۳	۲/۴	۰/۸	درصد	
۴/۱۴	۱۲۰	۴۵	۵۰	۲۲	۳	۰	تعداد	۸ گسترش ارتباطات و لزوم توزیع و نگرش فراقومی در مناطق مورد مناقشه
	۱۰۰	۳۷/۶	۴۱/۷	۱۸/۳	۲/۴	۰	درصد	
۴/۱۱	۱۲۰	۵۱	۴۴	۱۵	۵	۵	تعداد	۹ انطباق هر چه بیشتر مرزهای سیاسی با مرزهای قومی
	۱۰۰	۴۲/۵	۳۶/۸	۱۲/۵	۴/۱	۴/۱	درصد	

**جدول ۴: عوامل تقویت توانمندیهای مدیریت محیط امنیتی و امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران**

رتبه	بازنگری رتبه	رتبه	بازنگری رتبه	رتبه	تعداد	درصد	گویه‌ها
۱	۴/۵۵	۱۲۰	۶۶	۵۵	۰	۰	عملیاتی شدن مکانیسم (ایده منفعت، ساختار) در محیط امنیتی
		۱۰۰	۵۵	۴۵	۰	۰	
۲	۴/۴۳	۱۲۰	۶۲	۵۰	۸	۰	حضور قدرتمند در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران
		۱۰۰	۵۱	۴۱	۸	۰	
۳	۴/۳۶	۱۲۰	۶۰	۴۶	۱۲	۲	تقویت عامل هویت ملی به خصوص وحدت شیعه و سنی
		۱۰۰	۵۰	۳۸	۱۰	۲	
۴	۳/۹۹	۱۲۰	۴۵	۴۷	۱۴	۸	توزیع منابع بر اساس آمایش سرزمینی
		۱۰۰	۳۸	۳۹	۱۲	۶	
۵	۳/۶۶	۱۲۰	۳۸	۴۰	۱۶	۱۶	ایجاد بسترهای مشارکتی در عرصه‌های متعدد
		۱۰۰	۳۲	۳۳	۱۳	۹	

یافته‌های ارائه شده در جداول ۲ تا ۵ میانگین هر یک از عوامل اثرگذار بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها را نشان می‌دهد. بر اساس این یافته‌ها، چالش‌های محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران طبق شرایط زمانی و مکانی خاص خود می‌تواند منشا و منبع

تهدیدات مرزی متعدد و متنوعی از جمله اثر گزار بر قومیت‌های حاشیه مرزها باشند که از بین مولفه‌های «محیط امنیتی» به ترتیب اولویت: ۱. حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط‌های مورد مناقشه قومی، ۲. سیاست‌های اطلاعاتی قدرت‌های فراملی در تامین منافع در این مناطق، ۳. سیاست‌های تحریک آمیز بر ایجاد شکاف قومیت و مذهب، ۴. دخالت کشورهای همسایه، ۵. وجود دولت‌های ضعیف و بحران اقتدار در این مناطق، ۶. عدم توجه کشورهای منطقه به عناصر وحدت بخش و یکپارچه سازی ملی منطقه‌ای، ۷. وجود تفکرات تاریخی و تجزیه گرایانه در قومیت در منطقه مورد مناقشه، ۸. تضادهای قومی و تاریخی در مناطق مورد مناقشه و ۹. فقدان ترتیبات امنیتی مشترک و منسجم در حوزه‌های قومی و محیطی، بر روحیه تجزیه طلبی اثر گذارند.

همچنین در مورد تاثیر «امنیت محیطی» متاثر از محیط امنیتی ج. ا. ا بر روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها به ترتیب اولویت می‌توان این عوامل را برشمرد: ۱. افزایش رفاه و توسعه و تحرکات اقتصادی مناطق قومی و مرزی، ۲. بازسازی امنیت پایدار و ساختار سیاسی اجتماعی بر اساس یکپارچه ملی، ۳. تقویت عامل یکپارچه ساز و هویت مدار دین در دو مذهب شیعه و سنی، ۴. توزیع منابع بر اساس آمایش سرزمین و عبور از محرومیت‌های کلیدی، ۵. مدیریت رفتار اقتصادی کاذب تا رفع و فقر و محرومیت در مناطق قومی، ۶. پلی ژنیک بودن ترکیب جمعیتی ایران، ۷. منفی نمودن مهاجرت و تردهای غیر قانون قومی در جدار مرزها، ۸. گسترش ارتباطات و لزوم توزیع و نگرش فراقومی در مناطق مورد مناقشه، ۹. انطباق هر چه بیشتر مرزهای سیاسی با مرزهای قومی.

عوامل تقویت توانمندی‌های مدیریت محیط امنیتی و امنیت محیطی جمهوری اسلامی ایران نیز به ترتیب اولویت عبارتند از: ۱. عملیاتی شدن مکانیسم ایده منفعت، ساختار در محیط امنیتی، ۲. حضور قدرتمند در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، ۳. تقویت عامل هویت ملی به خصوص وحدت شیعه و سنی، ۴. توزیع منابع بر اساس آمایش سرزمینی، ۵. ایجاد بسترهای مشارکتی در عرصه‌های متعدد.

## بحث و نتیجه گیری

این پژوهش نشان داد که در حوزه محیط امنیتی که می‌تواند تهدیداتی را متوجه افزایش روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها در جدار مرزها داشته باشد، پیشران‌ها و پسران‌هایی وجود دارند که در سه حوزه معرفتی، ساختاری و کارکردی می‌تواند در کاهش و افزایش روحیه تجزیه طلبی قومیت‌ها موثر باشند:

**معرفتی - ارتقاء و پیشبردگی:** دین اسلام می‌تواند در بین کشورهای مسلمان نقش بی‌بدیلی در جهت وحدت و همگرایی ایفا نماید، لذا با اصل قرارداد اسلام بعنوان عامل وحدت زاء در محیط امنیتی و پیرامونی و امنیت محیطی می‌توان در جهت تحکیم روابط و همچنین بالابردن درجه ضریب امنیت ملی کشورهای منطقه موثر باشد

**معرفتی - رکود و بی توجهی:** تضادهای ایدئولوژیک به عنوان یک عامل واگرایی در بین کشورهای منطقه و نیز در داخل کشورها، می‌تواند به عنوان عامل بالقوه ای در جهت فعال نمودن شکاف‌های قومی مذهبی عمل نماید؛

**ساختاری - ارتقاء و پیشبردگی:** وجود امنیت پایدار و ساختار سیاسی و اجتماعی مستحکم در جمهوری اسلامی ایران یک پیشران قوی برای غلبه بر تهدیدات قومی است. فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی جامعه منوط بر حصول امنیت پایدار، پایداری و ثبات نظام و حاکمیت و تأمین و تضمین حقوق اجتماعی و فردی آحاد جامعه است. در جامعه ایرانی که موزائیکی از همنشینی و همزیستی اقوام گوناگون در قالب هویت ملی و ملتی واحد و کشوری یکپارچه است، راهبرد قرار دادن امور مربوط به اقوام و مسائل مربوط به قومیت‌ها در برنامه‌های کلان کشور و در نگاه کلان امنیت ملی توجه به قومیتها بعنوان نقطه قوت و سرمایه ملی و هر تهدیدی پیرامون مسأله قومیت، تهدیدی برای منافع و امنیت ملی انگاشته شود می‌تواند در تأمین منافع ملی و نتیجه آن تقویت مقومهای امنیت ملی موثر باشد. همچنین پذیرش و نهادینه سازی ارزش‌های مطلوب ملی و قومی در کنار تعالیم عالیه دینی و تعمیق علایق ملی و دینی می‌تواند همچنان بعنوان عوامل اصلی

مقوم وحدت ملی کارکرد داشته باشند و امکان توسعه در پرتو امنیت پایدار و ثبات را فراهم آورند؛

### ساختاری-رکود و بی توجهی:

در نگاه اجمالی به مرزهای سیاسی کشور و انطباق آن با لایه فرهنگی گسترده جغرافیایی اقوام شاهد عدم انطباق این دولایه با یکدیگر هستیم که این امر پیامهای خاصی را به همراه دارد. از جمله عدم ثبات و پایداری مرزهای سیاسی، مهاجرت، قاچاق کالا، ارز و مواد مخدر، تردهای غیر قانونی، تحرکات جریانهای معارض و تردد احزاب مخالف، بی ثباتی مرزها در تعاملات سیاسی با کشورهای همسایه... بر این اساس در صورتیکه در راهبرد کلان امنیت ملی تقویت پیوندهای ملی با اقداماتی همچون محرومیت زدایی، بالابردن شاخصهای توسعه و افزایش رفاه عمومی در این مناطق و همچنین توجه به معضلات اجتماعی برای این مناطق در دستور کار قرار داشته باشد می تواند تهدیدات ناشی از بی ثباتی در مرزها را به فرصتهایی برای توسعه کشور و بهره برداری از بازار و فرصت های اقتصادی کشورهای همجوار تبدیل سازد

**کارکردی-ارتقاء و پیشبردگی:** در حوزه کارکردی، با اصل قرار دادن سه مولفه حضور بهتر، نفوذ کیفی تر و ماندگاری عمیق تر در محیط پیرامونی، تاثیر گذاری، قدرت و توانمندی بازیگری در محیط امنیتی افزایش پیدا می کند. در همین راستا می توان انتظار داشت که تحرکات واگرایانه و تجزیه طلبی سرریز از آنسوی مرزها کاهش پیدا کرده و تاثیر مستقیم آن را بر جداره های مرزها شاهد باشیم.

**کارکردی-رکود و بی توجهی:** جمهوری اسلامی ایران به دلیل واقع شدن در منطقه غرب آسیا با مخاطرات، چالش ها و تحولاتی عمده در محیط امنیتی خود رو به رو است. غرب و جنوب غرب آسیا یکی از مناطق استثنایی جهان به شمار می رود که همچنان بازیگران اصلی آن به توافقی برای رسیدن به ترتیبات امنیتی خاصی در این منطقه نرسیده اند همچنین این منطقه همواره با حجم وسیع از تهدیداتی همچون تروریسم، فرقه گرایی،

افراط گرایی، کشورهایی با ساختار سیاسی ضعیف و شکننده، حضور قدرتهای فرامنطقه ایی مواجه بوده است، همچنین نرسیدن به یک مکانیسم ایده منفعت ساختار که مورد اجماع تمامی بازیگران منطقه ایی باشد نیز در این حوزه بسیار کمبود آن به چشمگیر است که میتواند در حوزه مدیریت محیط امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران چالش زا باشد

**پیشنهاد:** براساس یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد حضور، نفوذ و ماندگاری جمهوری اسلامی ایران و همچنین رسیدن به مکانیسم منفعت-ایده، ساختار در محیط امنیتی غرب و جنوب غرب آسیا می‌تواند فضای آنارشیک منطقه در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران را تا حد و دزیادی مدیریت نماید. در فضای داخلی کشور نیز افزایش سرمایه گذارهای اقتصادی و به عبارتی مولفه توسعه یافتگی بر مبنای سیاست‌گذاری‌های کلان امنیت ملی در حوزه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در جدار مرزها می‌تواند به تقویت هویت ملی در این مناطق کمک کرده در نتیجه موضوع واگرایی در بین قومیت‌ها را به حاشیه ببرد.

#### منابع

- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۸). ظهور و افول القاعده در عراق. فصلنامه راهبرد. سال هجدهم. شماره ۵۱. صص ۲۳۳-۲۴۸
- افتخاری، اصغر (۱۳۷۸). ظرفیت طبیعی امنیت (مورد مطالعاتی قومیت و خشونت در ایران). فصلنامه مطالعات راهبردی. سال دوم، شماره ۵ و ۶ صص ۵۷-۲۶
- افضلی، رسول (۱۳۸۸). تحلیل بنیادهای پایدار همگرایی و متغیرهای اعتباری تهدید قومی در ایران. پژوهش جغرافیای انسانی. دوره ۴۱، شماره ۷۰، صص ۹۰-۷۷
- اکبری، سارا، بهرامی، وحید، شهریاری ابوالقاسم، (۱۳۹۳) بررسی جایگاه پدافند غیر عامل در بازدارندگی از چالشهای قومی ناشی از توسعه نامتوازن، همایش ملی پدافند غیر عمل و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، صص ۱۱۳-۹۵

- آدمی، علی، (۱۳۹۴) نقد نظریه فرهنگ لمنیت ملی، با تامل در آثار باری بوزان و مکتب کپنهاگ، مطالعات تحول در علوم انسانی، دوره ۳، شماره ۵، زمستان صص ۳۰-۱۰
- امیر احمدی، هوشنگ (۱۳۷۷). قومیت و امنیت (شفیعی، حسن). فصلنامه مطالعات راهبردی. سال اول پیش شماره دوم، صص ۲۳۴-۲۰۷
- ایوبی، حجت الله (سال ۱۳۷۷). شکاف های قومی و خشونت در پیکارهای سیاسی. فصلنامه مطالعات راهبردی. دوره ۱، شماره ۱ صص ۳۸-۱۹
- بنی هاشمی، میر قاسم (۱۳۸۲). شان قومیت و ناسیونالیسم قومی در مطالعات امنیت ملی. فصلنامه مطالعات راهبردی. سال ۶ شماره سوم. صص ۶۸۴-۶۶۱
- بوزان، باری، دووید، پاپ، ویور، الی (۱۳۸۶). چارچوبی تازه برای تحلیل امنیت (طیب علیرضا). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی
- بوزان، باری (۱۳۸۱). خاورمیانه ساختاری همواره کشمکش زا (احمد صادقی، مترجم). فصلنامه سیاست خارجی. سال شانزدهم، شماره ۳ صص ۶۸۰-۶۳۳.
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۷). سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در پرتو تحولات منطقه ای. تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
- دیو سالار، مجید (۱۳۸۷). امنیت ملی و تهدیدات قومی. نشریه نگاه حوزه. شماره ۲۵۱
- روشندل، جلیل (۱۳۸۷). امنیت ملی و نظام بین الملل. تهران: انتشارات سمت.
- ساوه درودی، مصطفی، (۱۳۹۳) گروهک تروریستی داعش، برابند تنازعات و ناامنی های منطقه ای، فصلنامه امنیت پژوهی، سال سیزدهم، شماره ۴۵ صص ۱۰۸-۸۹
- شادنیا، هوشنگ (۱۳۸۲). قاچاق کالا و امنیت اجتماعی. مجموعه مقالات همایش امنیت اجتماعی جلد دوم. تهران: معاونت اجتماعی ناجا.
- شفیعی، نوروز (۱۳۸۹). تحلیل چالش های امنیتی ایران و افغانستان و چگونگی مدیریت آن. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- درویشی، فرهاد، امامی، اعظم، (۱۳۸۹)، قومیت ها و همبستگی مای در جمهوری اسلامی ایران چالشها و راهکارها، فصلنامه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۲۰ صص ۱۴۸-۱۲۱



- عباس زاده فتح آبادی، مهدی (۱۳۸۹). القاعده پس از ۱۱ سپتامبر با تأکید بر عراق. فصلنامه سیاست. دوره ۴۰. شماره ۲. صص ۱۵۱-۱۷۰
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۰). قوم شناسی سیاسی. تهران: نشر نی.
- کافی، مهدی امیر، حاجیانی، ابراهیم، (۱۳۹۲) نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران، بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری، فسانامه راهبرد، سال ۲۲، شماره ۶۶ صص ۱۱۷-۱۴۶
- مایل افشار، فرحناز (سال ۱۳۹۱). بررسی نقش اقلیت‌های قومی مذهبی در تامین امنیت (شناخت تهدیدها و فرصت‌ها). فصلنامه مطالعات اطلاعات و امنیت انتظامی، شماره ۲ دوره ۴ صص ۷-۴۲
- مجتهد زاده، پیروز (۱۳۸۱). جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی. تهران: انتشارات سمت.
- مهری، کارنامی، محمد، (۱۳۸۸) آسیب شناسی تأثیر قومیت گرایی بر امنیت ملی، فصلنامه حصون، شماره ۱۹، صص ۱۸۲-۱۶۶
- مینایی، مهدی (۱۳۸۲). محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران در سطح منطقه ایی و بین المللی. فسانامه پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی. شماره ۶. صص ۱۱۰-۱۰۳
- نصری، قدیر. (پاییز ۱۳۸۲). مکتب کپنهاگ مبانی نظری و موازین عملی، فصلنامه مطالعات دفاعی و امنیتی.
- نصری، قدیر، (۱۳۹۰) تاملی نظری در یافته‌ها و دشواریهای باری بوزان در بررسی امنیت، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۴، شماره ۴، شماره مسلسل ۵۴ صص ۱۳۴-۱۰۵
- واعظی، محمود. (۱۳۸۶). چالش‌ها و رویکرد امنیتی ایران در محیط پیرامونی. تهران: معاونت پژوهش‌های سیاست خارجی
- یاوری، بافقی، امیر حسین، مستجابی سرهنگی، حمید، اسماعیلی، احمد رضا، (۱۳۹۲) تحلیلی بر تأثیر همگرایی ملی اقوام ایرانی بر امنیت عمومی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش نامه نظم و امنیت انتظامی سال ۶ شماره ۲، صص ۱۵۸-۱۳۵

- Kymlicka will(2002). Multicultural Citizen ship: An Inter diction. Oxford University Press .

Archive of SID